

مبانی نظری و تجربی وندالیسم: مروری بر یافته‌های یک تحقیق

علیرضا محسنی تبریزی

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

چکیده

مقاله حاضر می‌کوشد با استعانت از مباحث نظری و اطلاعات تجربی به دست آمده از تحقیق وندالیسم در تهران به ادامه بحثی تحلیلی پیرامون ویژگیهای افراد وندال بپردازیم و مطابقت این ویژگیها را با ویژگیهای وندال‌های مطالعه شده در جوامع دیگر به منظور حصول به مشابهت در الگوهای رفتاری بزهکارانه درایم و با ارائه مدتی نظری، تمایل به رفتار وندالستیک را تحت تأثیر عواملی در نظر بگیریم.

با کاربرد روش پیمایشی^۱ و با استفاده تکنیک پرسشنامه هدایت شده از ۱۹۲ نفر وندال بین سنین ۱۰ تا ۲۵ سال که از بین ۴۰۳ نوجوان و جوان نگهداری شده در دارالتأدیپ‌ها، مراکز بازپروری، کانونهای اصلاح و زندانهای شهر تهران و به طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای^۲ با دقت احتمالی مطلوب ($d=0/05$) و ضریب اطمینان ۹۵٪ ($t=1/96$) انتخاب شده بودند؛ اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری گردید.

نتایج تحقیق حاکی از آن بود که وندال‌های تحت مطالعه از حیث پایگاه اجتماعی - اقتصادی والدین، گروه سنی، جنسیت، وضعیت مهاجرت، وضعیت آموزشی، مطلوبیت شرایط خانوادگی، تجارب نخستین دوران کودکی، نحوه جامعه‌پذیری و تربیت اجتماعی، نوع گروههای عضویتی، الگوی گذران اوقات فراغت، نحوه سرپرستی عاطفی، سیستم‌های پاداش و مجازات، خلق و خو، انتظارات، موضع‌گیریها، و رفتارها با نوجوان و جوانان غیر وندال متفاوت بوده‌اند.

نتایج به دست آمده از کاربرد مدل تبینی و تحلیلی از طریق رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر نیز نشان می‌دهد که میل به وندالیسم متأثر از عوامل متعددی است که در شبکه‌ای از روابط علی با یکدیگر به سر می‌برند و کل تغییرات آن از مجموع متغیره‌های علت حاصل می‌شود. در این مدل احساس بی‌هنجاری، احساس اجحاف، اختلال در روابط و شرایط خانوادگی و آموزشی، رضایت فرد از زندگی را متأثر و متقابلاً احساس انتقامجویی و در نهایت گرایش به خشونت و وندالیسم را در فرد تقویت می‌کند.

واژگان کلیدی: وندالیسم، احساس اجحاف، احساس ناکامی، میل به خشونت، واقعیت اجتماعی،

مقدمه

اگرچه به زعم آسیب شناسان اجتماعی همه صور و انواع نابهنجاریها و نژندی‌های اجتماعی چون سرقت، قتل، قمار، قاچاق، خودکشی، فحشاء، اعتیاد، الکلیسم، وندالیسم و نظایر آن، معلول ناسازگارهایی است که بر روابط فرد و جامعه حاکم است، مع الوصف باید توجه داشت که در همه دوره‌های تاریخی بنا به ماهیت و طبیعت ساختارها، سازمانها، نهادها و روابط اجتماعی تولید، صور، اشکال و انواع خاصی از کجرویها و ناهنجاریهای اجتماعی در جوامع بروز و نمود یافته است. از این رو در برخی از دوره‌های تاریخی، بعضی از رفتارها را رفتارهای نژند یا کجرو تعریف کرده‌اند. رفتارهای نژند جدیدی نیز، که خاص جامعه جدید است، مطرح شده‌اند، به عبارت دیگر با تغییر ساختارها و مناسبات اجتماعی، نه تنها اشکال و انواع جدیدی از نابهنجاریها پدید آمده‌اند؛ بلکه میزان شیوع و رواج و نیز معنی و مفهوم آنها تغییر یافته‌اند. شاید سخن دورکهایم (۱۳۴۳، ص ۹۴) شاهد صائبی بر این مدعا باشد که:

«جنایت در واقع تعیین کننده مرزهای وجدان اجتماعی و اخلاق جمعی است. بدین گونه جنایت با وجدان جمعی بستگی دارد. اگر وجدان جمعی دگرگون شود و تحول یابد مفهوم نابهنجاری نیز دگرگون می‌گردد و تحول می‌یابد».

وندالیسم^(۱) در زمره آن دسته از انحرافات و بزه‌کاریهایی است که در جامعه جدید نمود و ظهور یافته است.

ژانورن (۱۹۶۳)، ویلینسن (۱۹۹۵)، هوپر (۱۹۹۱) و گلداستون (۱۹۹۸) آن را مرضی مدرن و نوظهور دانسته‌اند که به مثابه معضلی اجتماعی^۲ تا نیم قرن پیش مطرح نبود.

به زعم این صاحب نظران عصبان روز افزون انسان، علی‌الخصوص نسل جوان، در برابر تحمیلات اجتماعی و نیروهای قاهر و سرکوبگر بیرونی نه تنها مبین احساس اجحاف و درماندگی آنها بلکه گویای خشم و پرخاشگری آنان در اثر احساس اجحاف و درماندگی^۳ است. از این رو وندالیسم مرضی نو ظهور و مدرن در جامعه جدید است که عکس‌العملی است خصمانه و واکنشی است کینه توزانه به برخی از صور فشارها، تحمیلات، نامالایمات، حرمانها، اجحافات و شکستها. در متون جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌شناسی اجتماعی وندالیسم

1. Modern Society

2. Social Problem

3. Frustration

کراراً به مفهوم داشتن نوعی روحیهٔ بیمارگونه به کار رفته که مبین تمایل به تخریب آگاهانه، ارادی و خود خواسته^۱ اموال، تأسیسات و متعلقات عمومی است (ویلکینسن، همان؛ کلارک ۱۹۹۱). مع الوصف باید توجه داشت که اغلب صاحب‌نظران و محققان آن را به مثابه جنایتی خرد و از انواع بزهکاری جوانان^۲ به شمار آورده‌اند (میر و کلینارد ۱۹۸۶، ژانورن ۱۹۶۳).

در کشورهایی که دارای نظام منظم ثبت اطلاعات مربوط به میزان خسارات ناشی از وندالیسم در سکتورهای مختلف هستند، آمارهای ترخیص شده حکایت از وسعت، شدت، دامنه، تعدد و تنوع وندالیسم در بخشهای خدمات، محیط زیست، آموزش، بهداشت، تفریحات و نظایر آن و نیز سنگینی خسارات وارده و هزینه‌های تعمیر و تعویض وسایل و اشیای تخریب شده دارد^(۲).

تا قبل از زمستان ۱۳۷۴ که نخستین تحقیق منظم در باب علل و شیوع وندالیسم در تهران بزرگ به همت شهرداری تهران و مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران انجام یافت^(۳)، اطلاعات قلیل و دانش محدودی در باب وندالیسم، بویژه در تهران که بزرگترین حوزهٔ شهری کشور است، وجود داشت. بین سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۷، در دو بررسی موردی^۳، در قالب «پایان‌نامهٔ دانشجویی»، به وندالیسم و سبب‌شناسی آن در مدارس و سیستم حمل و نقل (راه‌آهن) پرداخته‌اند^(۴).

در این مقاله که در پرتو تحقیقات انجام شده در باب وندالیسم و مبتنی بر اطلاعات و نتایج و مباحث تحقیق «وندالیسم در تهران بزرگ» تدوین و تنظیم گردیده است، می‌کوشیم با استعانت از مباحث نظری مربوط به وندالیسم و با استفاده از اطلاعات تجربی مأخوذ از تحقیق تهران به ارائهٔ بحثی تحلیلی پیرامون ویژگیهای افراد «وندال» براساس اطلاعات تجربی به دست آمده از تحقیق پیمایشی^۴ در تهران بپردازیم و مطابقت این ویژگیها را با ویژگیهای وندال‌های مطالعه شده در جوامع دیگر، به منظور حصول به مشابهت در الگوهای رفتاری بزهکارانه و منحرفانه^۵ دریابیم و با ارائهٔ الگویی نظری، تمایل به رفتار وندالیستیک را تحت تأثیر عواملی در نظر بگیریم.

1. Self - chosen

2. Juvenile Delinquency

3. Case Study

4. Survey Research

5. Deviant

مبانی نظری وندالیسم

با توجه به زمینه‌ها و مبانی نظری وندالیسم، بویژه اتیولوژی و سبب‌شناسی آن، اغلب صاحب‌نظران مسائل کج رفتاری بر این عقیده‌اند که وندالیسم چون بسیاری از رفتارهای نژند معلول علت واحدی نیست. از طرفی دیدگاه‌های غالب اکنون بر این اصل تأکید و اصرار دارند که نظریه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی کج رفتاری هیچ یک به تنهایی کفایت لازم را در تبیین علل رفتار آدمی نداشته و غالباً اسیر تنگ نظریها، تک سبب‌بینی‌ها و تقیدات و تعصبات حوزه‌های نظری خود هستند.

در مکتبهای جامعه‌شناسی، سازمانها، ساختارها و نهادهای اجتماعی و فرهنگی به مثابه واقعیت‌های اجتماعی^۱ علت رفتار آدمی به حساب آمده‌اند و رفتارهای بزهکارانه را معلول ساختارهای اجتماعی و فرهنگی دانسته‌اند. در مقابل، روان‌شناسان و بویژه روان‌کاوان آن را معلول کارکرد نیروهای سرکش درونی پنداشته‌اند.

گروهی از صاحب‌نظران نیز در مقابل، به تعامل میان فرد و جامعه در فراگرد رفتار اشاره کرده‌اند. رویکرد آنان بیشتر به روان‌شناسی اجتماعی نزدیک است و فرد و جامعه را توأم و در کنشهای متقابل در جریانات رفتاری دخیل می‌دانند. این رویکرد که بیشتر در سنت روان‌شناسی اجتماعی جرج هربرت مید و مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو شکل گرفته است به فراگرد متقابل و تعامل میان عامل رفتار و وضعیت رفتار در مسیر عمل آدمی معتقد است و بر این اصل اصرار می‌ورزد که انسان در عین حال که سازنده جامعه و واقعیات اجتماعی است زیر نفوذ تولیدات خود نیز قرار دارد و به قول ایان تایلور (تایلور ۱۹۷۳، صص ۳-۱) «رابطه‌ای که میان انسان و جامعه است یک رابطه دیالکتیک است و این را در تمام مراحل کژ رفتاری می‌باید در نظر آورد».^(۵)

در اینجا به اجمال به برخی از نظریه‌های مهم در باب وندالیسم اشاره می‌شود:

بیگانگی و وندالیسم

در بسیاری از تحقیقات (تایلور ۱۹۷۳، فلکس ۱۹۸۶، استفنس میر ۱۹۸۹، گلداستون ۱۹۹۰، کلارک ۱۹۹۱ و...) به این نتیجه رسیده‌اند که وندال‌ها و جوانان بزهکار به طور دراماتیک یکی از بارزترین و مشهودترین گروه‌های بیگانه در جامعه معاصر هستند. به زعم این صاحب‌نظران وندال‌های بیگانه^۱ معمولاً در خانه‌هایی غیرمنضبط با والدینی سردرگم و مردد و نامطمئن از ارزشها و فلسفه اجتماعی خویش پرورش یافته و غالباً احساس درماندگی و احساس اجحاف خود را به صورت قهرآمیز و پرخاشگرانه در مقابل نسل بزرگتر، صاحبان قدرت و همه نهادها و سازمانهای تأسیس شده در جامعه نشان می‌دهند. این امر شاید با بحث لوئیس فیوئر (۱۹۷۳) در باب منشأ انتسالی^۲ و روانی^۳ بیگانگی نسل جوان و روحیه انتقامجویی و رفتار توأم باخشونت و ویرانگریانه آنان مرتبط باشد. فیوئر آن را «تدبیر ناخودآگاه»^۴ می‌نامد و می‌نویسد:

«احساسات و عواطف صادره از ناخودآگاه جوان که ناشی از ستیز نسلهاست خود را در جهات نامتعارف و غیرعقلایی بطور بارزی نمودار می‌سازد» (فیوئر ۱۹۷۳، ص ۸).
به نظر فیوئر، بیگانگی روانی خود را در صور رفتارهای نابهنجار نظیر وندالیسم، خشونت، میل به انتقامجویی و نظایر آن بروز می‌دهد. از این رو بیگانگی ماهیتاً امری نابهنجار و جرم زاست. این نوع برداشت در مقابل آن دسته نظریه‌های مارکسیستی قرار دارد که بیگانگی را امری طبیعی، مولد و آفریننده می‌بینند (محسنی تبریزی ۱۳۷۰، صص ۷۳ - ۲۵).

کنت کنیستون استاد روان‌شناسی اجتماعی دانشگاه هاروارد در نظریه بیگانگی خود جوانان را بیگانه‌هایی در نظر می‌گیرد که ستیز با نظم موجود و نفی کامل آنچه را که ارزشهای مسلط^۵ فرهنگ جامعه خوانده می‌شود، فضیلت می‌دانند (کنیستون ۱۹۶۹، ص ۸۰). نظریه «جوان بیگانه»^۶ کنیستون مبتنی است بر تحقیقات و مطالعات تجربی او در دانشگاه هاروارد بر روی دانشجویان بیگانه در سه دهه ۶۰، ۷۰ و ۸۰.

گرچه کنیستون در آغاز عمدتاً به دنبال تبیین بیگانگی اجتماعی و فرهنگی بود؛ مع‌هذا در

1. Alienated Vandals
3. Psychological
5. Dominant

2. Generational
4. Politics of Unconscious
6. Alienated Youth

عمل به تبیین بیگانگی روانی و خودباختگی^۱ جوانان در جامعه امریکا پرداخت. توصیف کنیستون از جوانان بیگانه متضمن این حقیقت است که بیگانگی روانی نتیجه‌ای از کامیابی غم‌انگیز پسر در ستیز اودیپال و سردرگمی و ناکامی او در هویت‌یابی با والدین است. به نظر کنیستون پیروزی فجیع پسران در ستیز اودیپال نوعی امساک و عدم رغبت به سبقت‌جویی و رقابت را در آنان ایجاد می‌کند و به تدریج آنها را به افرادی حاشیه‌ای^۲، غیرمشارکتی و منفعل^۳ بدل می‌سازد، بیگانه‌های غیرمتمهدی^۴ که به نفی کامل ارزشهای مسلط فرهنگی در جامعه می‌پردازند (کنیستون، همان، ص ۸۳).

ریچارد فلکس (۱۹۸۶)، از سوی دیگر با ربط وندالیسم به بیگانگی نسل جوان مدعی است که رفتارهای معطوف به تخریب و ویرانگری برخلاف دیدگاه فیوئر ناشی از ستیز اودیپال میان جوان و والدین اقتدارگرا نیست، بلکه نتیجه مستقیم بریدگی و عدم پیوندی است که بین ارزشهای تحمیل شده از سوی والدین و آنچه به منزله شرایط و حرکت‌های حاکم در جامعه مطرح است، پدید می‌آید.

بزعم فلکس (فلکس ۱۹۷۱، ص ۶۳) بسیاری از بیگانه‌های فعال^۵ فرزندان والدین لیبرال و رادیکالی هستند که در زندگی شخصی خود بر ارزشهایی چون رومانتیسم^۶، بداعت و نوآوری، روشنفکری^۷، نوع دوستی^۸، ظلم ستیزی و دفاع از مظلوم، مبارزه در برابر اجبار و فشار و نیروهای سلطه‌گر و پایداری در برابر کلیه شرایط و عواملی که بازدارنده تغییر و تحول و در انداختن طرحی نو در جامعه هستند، تأکید می‌کنند. بدین ترتیب آنان را می‌توان حاملان ارزشهای والدین خود و عاملان^۹ تغییر و تحول و منعکس‌کننده خواسته‌ها و تمنیات دیگران پیرامونشان^{۱۰} دانست که در عمل به ستیزی با جامعه کشانده شده و رو در روی آن قرار گرفته‌اند. از این رو رفتارهای معطوف به تخریب و وندالیسم در بسیاری مواقع منعکس‌کننده میل وافر جوانان به ابراز خشم و نارضایتی در برابر اجحاف، اجبار، تبعیض، اقتدار آمرانه، تحدید آزادیهای فردی، نابرابری و بی‌عدالتی ساختارها، سازمانها و نهادهای جامعه سلطه‌گر است. جامعه‌ای که بزعم آنان مانع شکوفایی استعدادها و امکانات نهفته عینی است که چنانچه شکوفا شوند و

1. Self - alienation

3. Passive

5. Alienated Activists

7. Intellectualism

9. Agantes

2. Marginal

4. Uncommitted

6. Romanticism

8. Humanism

10. Significant Others

تحقق یابند جامعه‌ای سالم پدید خواهد آمد. چنین برداشتی از ستیز فرد و جامعه در آرای برخی از جامعه‌شناسان انتقادی نیز مشهود است. چه آنان نیز نظام مسلط فرهنگی - اجتماعی و روابط حاکم بر آن را پایه و مایه بیگانگی انسان دانسته و معتقدند احساس تنفر و بیزاری^۱ از عملکرد کل نظام اجتماعی سرچشمه می‌گیرد و علت اصلی را باید در ناهمسازی کارکرد نظام اجتماعی با نیازهای انسانی جستجو کرد. از اینرو برای رهایی از قیود نظام اجتماعی موجود که نفی‌کننده امکانات نهفته عینی و استعدادهای ناشکفته انسانی است باید نهادهای کنونی را درهم ریخت و طرحی دیگر انداخت (محسنی تیریزی، همان، صص ۴۶ - ۴۲).

بدین ترتیب فلکس بیگانگی معطوف به انتقامجویی، وندالیسم، خشونت و ویرانگری را نه محصول طرد و نفی کامل ارزشهای والدین از سوی جوانان، بلکه معلول تربیت و اجتماعی شدن موفق آنان در محیط خانواده می‌داند و با صراحت ابراز می‌دارد:

«بدین طریق ارزشهایی که نسل گذشته در طریقی مجرد به آنها ارج نهاده و مجدانه از آنها پاسداری نموده است، نشانه و خصوصیت شخصیتی بارز نسل جدید درآمده و تجلی یافته است. در این معنی جوانانی که در اعتراضات و تظاهرات، فعالیت‌های سیاسی، و در هر شیوه زندگی و رفتار بیگانه‌گونه^۲ شرکت می‌کنند، کسانی نیستند که در سسلک کجروان و آیین منحرفان^۳ درآمده‌اند، بلکه افرادی به شمار می‌آیند که تحت یک سنت فرهنگی رشد یابنده و پویا تربیت و اجتماعی شده‌اند» (فلکس، همان، صص ۶۷-۶۳).

وندالیسم در نظریه‌های ناکامی، احساس اجحاف و پرخاشگری

فروید از طرفداران نظریه‌های ناکامی و پرخاشگری بر این عقیده است که انسان با غریزه مرگ‌زاده می‌شود. هنگامی که این غریزه متوجه درون شود به صورت تنبیه و مواخذة خود ظاهر می‌گردد و در موارد افراطی منجر به خودکشی می‌شود. هنگامی که این غریزه متوجه برون گردد به صورت خصومت، خشونت، آزار و اذیت، وندالیسم، تخریب و قتل تجلی می‌کند. فروید معتقد است که این نیروی پرخاشگرانه می‌باید به طریقی تخلیه شود و چنانچه این تخلیه صورت نگیرد فرد را با کسالت، رخوت و ناآرمی رو به رو خواهد ساخت. این نظریه شباهت تمام به یک نظریه هیدرولیک دارد. اگر نیروی پرخاشگرانه به تدریج

1. Estrangement

2. Alienated

3. Deviants

کاهش نیابد احتمال وقوع انفجار زیاد است. فروید مصر است که جامعه ضرورتی حیاتی در کنترل و مهار غریزه خشم انسان است و او را یاری می‌دهد تا از آثار مخرب این نیرو بکاهد و آن را به رفتاری مفید و پسندیده بدل نماید (ارونسون ۱۳۶۹، صص ۳ - ۱۶۲). از دیدگاه فروید و برخی از روانکاوان، خشم و پرخاشگری مولود و محصول موقعیتها و شرایط نامطلوب و نامطبوع از قبیل، دلنگی، ورشکستگی، درد، حزن و اندوه و نظایر آن است. مع الوصف از میان همه موقعیتهای ملال‌انگیز و نامطبوع، درماندگی، احساس اجحاف و ناکامی^۱ عامل عمده‌ای در ایجاد پرخاشگری است.

از طرفی مشاهده رفتار پرخاشگرانه دیگران باعث یادگیری رفتار پرخاشگرانه شده و به مثابه محرکی بیرونی سبب می‌گردد تا فرد پرخاشگرانه رفتار کند.

ارونسون (همان، صص ۷۰ - ۱۶۸) خاطرنشان می‌سازد که کودکان مشاهده‌گر رفتار پرخاشجویانه خود را محدود به تقلید صرف نمی‌کنند بلکه انواع پرخاشگریهای بدیع و جدید خلق می‌کنند. این امر دلالت بر آن دارد که تأثیر یک نمونه تعمیم پیدا می‌کند. تجربه باندورا نشان داده است که سرانجام پرخاشگری هم اهمیت دارد. اگر نمونه پرخاشگر را برای رفتار پرخاشگرانه‌اش پاداش دهند، بعدها کودکانی که شاهد او بودند بیشتر پرخاشگر می‌شوند تا آنهایی که شاهد نمونه‌هایی بودند که به علت پرخاشگری تنبیه شدند (همان، صص ۳۰ و ۱۷۰). فروید و برخی از پیروان او با طرح پالایش روانی پرخاشگری مدعی شده‌اند که در بسیاری موارد نیروی پرخاشگرانه در انسان در طرقتی پالایش می‌شود. این عمل برای ممانعت از بروز بیماری روانی است. به نظر فروید اگر انسان برای ابراز پرخاشگری اجازه نیابد، نیروی پرخاشگرانه انباشته می‌شود و سرانجام به شکل خشونت مفرط یا بیماری روانی ظاهر می‌گردد. روانکاوان دست کم، سه شیوه برای پالایش نیروی پرخاشگرانه پیشنهاد کرده‌اند (همان، صص ۸۴ - ۱۷۶):

۱. صرف آن در فعالیتهای بدنی، از قبیل بازیهای ورزشی، دویدن، جست و خیز، مشت زدن و نظایر آن.

۲. اشتغال به پرخاشگری خیالی و غیرمخرب

۳. اعمال پرخاشگری مستقیم، حمله به فرد یا موضوع ناکام کننده، آزار واذیت، ناسزا

گفتن، صدمه زدن، تخریب و دیگر رفتارهای معطوف به ویرانگری

امروزه اغلب شواهد دلالت بر این موضوع دارد که پرخاشگری مستقیم نیاز به پرخاشگری

بیشتر را کاهش نمی‌دهد. به عبارت دیگر آسیب رساندن به دیگری، احساسات منفی پرخاشگر را نسبت به قربانی افزایش می‌دهد و در نتیجه منجر به پرخاشگری بیشتر می‌شود. اورنسون متذکر می‌گردد که خشونت تمایل به خشونت را کاهش نمی‌دهد بلکه به عکس خشونت موجد خشونت است (همان، صص ۸۴-۱۸۳).

از طرفی باید توجه داشت که پرخاشگری و خشونت می‌تواند در خدمت عمل دیگری نیز قرار بگیرد. در جامعه‌ای پیچیده و بی‌اعتنا به مسائل پرخاشگری ممکن است شیوهٔ بارزی برای گروه‌های اقلیت ستم‌دیده و محروم در جلب توجه اکثریت ساکت و خاموش باشد (همان، صص ۱۸۴) متذکر می‌گردد بی‌عدالتی موجد ناکامی، درماندگی و احساس اجحاف است و اغلب منجر به پرخاشگری خشونت‌آمیز می‌شود. در همین خصوص تجربهٔ پرفسور گابریل موزر استاد روان‌شناسی اجتماعی در دانشگاه رنه دکارت فرانسه تأمل‌برانگیز است. موزر و گروه تحقیقاتی تحت نظارت وی به تجربه‌ای دست زده‌اند که نشان می‌دهد احساس اجحاف و احساس ناکامی دو انگیزهٔ مهم در خرابکاری و وندالیسم هستند. آنان پانزده باجهٔ تلفن عمومی پاریس را که بیش از بابه‌های دیگر در معرض تخریب و حملهٔ خرابکاران قرار می‌گرفت تحت نظر قرار دادند. نتایج مشاهده و بررسی نشان داد که اکثریت قریب به اتفاق (۹۰ درصد) کسانی که عامل تخریب تلفن‌های عمومی بودند دو انگیزهٔ مهم در رفتار ویرانگرانهٔ خود داشتند.

اولاً دستگاه تلفن شماره مورد نظر را نمی‌گیرد و سکه را می‌خورد و پس نمی‌دهد و ثانیاً فرد تلفن‌کننده از اینکه در کار خود موفق نشده است خشمگین می‌شود و مشت بر دستگاه تلفن می‌کوبد. به عبارت دیگر انگیزهٔ خرابکاری دو چیز است: احساس ظلم و ستم و اجحاف و عدم موفقیت در کار.

از این رو معلوم می‌شود که این افراد به هیچ وجه قصد دستبرد به دستگاه تلفن و دزدیدن پول را نداشتند؛ هدف آنان صرفاً مجازات مقصر بوده است. آنان در واقع می‌خواستند سکهٔ خود را از دستگاه تلفن غاصب پس بگیرند و او پس نمی‌داد و در نتیجه با مشت و دستهٔ چتر و عصا و هر وسیله‌ای که در دسترس آنها بود به جان تلفن خاطی می‌افتادند و آن را به اصطلاح تنبیه و ادب می‌کردند.

موزر و همکارانش با نصب تابلویی در هر یک از پانزده باجهٔ تلفن به مراجعه‌کنندگان پیام

دادند:

«پول خود را از فلان نشانی پس بگیرید ... برای مکالمهٔ تلفنی هم لطفاً به نزدیکترین

تلفن‌ها به نشانی زیر مراجعه فرمایید».

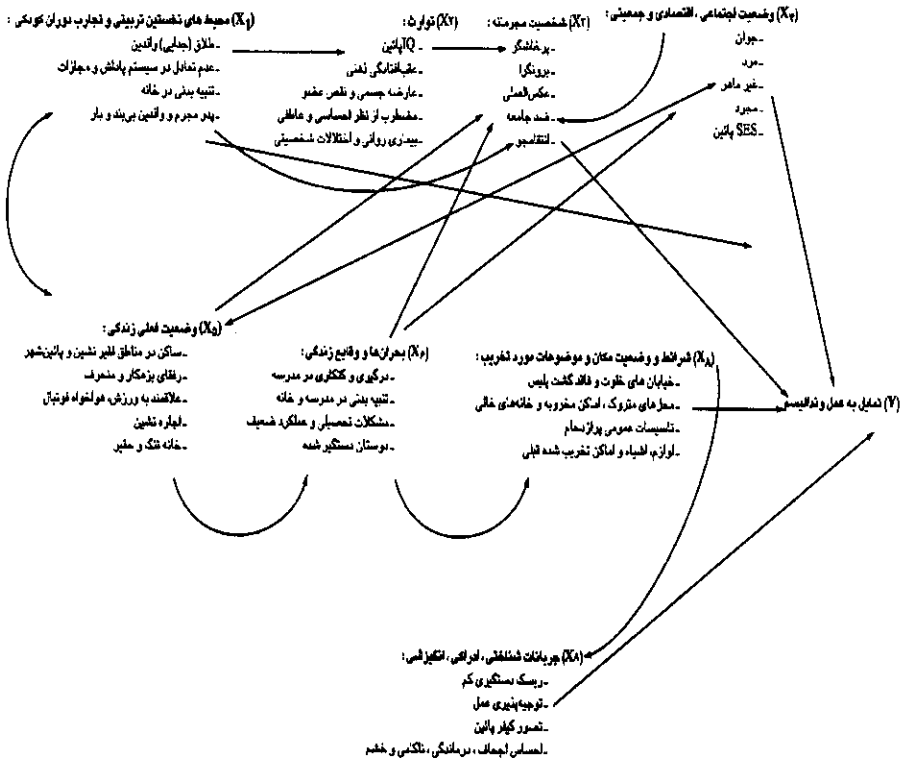
با این کار و نصب تابلو مذکور خرابکاری و تخریب در تلفن‌های عمومی حدود ۳۰ درصد کاهش یافت. موزر نتیجه گرفت که گفتگو اساس رابطه اجتماعی است (ژانورن ۱۳۶۷، ص ۳۳). آنچه همواره در بررسی وندالیسم مدنظر است نقش «احساس اجحاف» نسبت به خویش است. احساس اجحاف در موقعی که تلفن سکه را پس نمی‌دهد و شماره را نمی‌گیرد به قدری قوی است که بسیاری از مراجعه‌کنندگان متظلم خشمگینانه مشت بر دستگاه تلفن می‌کوبند تا شاید بتوانند سکه خود را پس بگیرند. اگر هم نتوانستند سکه را پس بگیرند حداقل خرسندند که تلفن تنبیه شده است. بسیاری از افراد که خشمگینانه به دستگاه تلفن مشت می‌کوبند، از به هدر رفتن سکه و زحمتشان ناراضی هستند و در واقع این خشم، واکنشی آنی در مقابل احساس اجحافی است که شخص دارد نه عادت. بسیاری از کسانی که با گوشی تلفن به دستگاه می‌کوبند و... قصد پس گرفتن سکه و احتمالاً تنبیه تلفن را دارند، در شرایطی دیگر و تلفنی سالم، به احتمال بسیار، این کار را نخواهند کرد. ولی به هر حال عمل آنها وندالیسم است.

نظریه برآیند کلارک

آرکلارک (کلارک، همان) کوشیده است با ارایه مدلی علی - توصیفی^۱ به تحلیل میسر^۲ مجموعه‌ای از متغیرهای متعامل اجتماعی و روان‌شناختی در فرآیند پیدایی رفتار وندالیستی پردازد.

کلارک با استعانت از یک رویکرد روان‌شناسی اجتماعی گروهی از متغیرهایی را که اصالتاً بیرونی هستند و آنهایی که ماهیتاً درونی‌اند به عنوان متغیرهای مستقل (علت) تأثیرگذار بر رفتار بزهکارانه (وندالیسم) در نظر می‌گیرد. کلارک با قرار دادن مجموعه متغیرهای متعامل در هشت گروه مستقل و در عین حال مرتبط در الگوی تنظیمی، متغیرهای متشکل هر یک از گروههای هشتگانه را نمایش می‌دهد:

مدل علی-توصیفی کلارک
گروه متغیرهای نخیل در بروز وندالیسم



گروه اول متغیرها، تجارب نخستین دوران کودکی، محیط اولیه و شرایط نخستین رشد و تربیت^۱ نام گذاری شده است.

گروه دوم نقش توارث^۲ را در بروز رفتارهای نابهنجار و منحرف مطرح می سازد و گروه سوم به شکل گیری شخصیت بزهکار می پردازد. از این رو در بخش فوقانی دیاگرامی که کلارک ارائه کرده، یعنی گروه متغیرهای ۱ تا ۳، به متغیرهایی توجه شده که غالباً روان شناسان به آنها تکیه می کنند: مثلاً تجارب نخستین دوران کودکی، محیط اولیه و شرایط نخستین رشد و تربیت، نوع تشویقها، حمایتها، رسیدگیهای عاطفی، تنبیهها و یادگیری انضباط و نظم از والدین، ارزشهایی که به او در جریان مراحل نخستین جامعه پذیری آموخته می شود و نوع شخصیتی که

1. Early Childhood Experiences, Environment and Upbringing
2. Heredity

فرد به صورت پرخاشجو، برون‌گرا و عکس‌العملی کسب می‌کند و بالاخره عواملی که به طور ژنتیکی و ارثی بر شخصیت و رفتار فرد تأثیر می‌گذارند از جمله عواملی هستند که در گروه متغیرهای ۱ تا ۳ قرار دارند.

گروه چهارم شامل آن دسته عوامل جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی نظیر سن، جنس، وضعیت تأهل، طبقه و پایگاه اجتماعی است که برای هر تحلیل جامعه‌شناختی از جرم و بزهکاری اساسی است. این گروه از عوامل در عین حال عواملی هستند که به طور گسترده‌ای فرصتهای رسیدن فرد را به موفقیت و رضامندی در زندگی تعیین می‌نمایند. آنان همچنین در استفادهٔ بهینه فرد از فرصتها و وسائیل نهادینه شده برای نیل به هدفهای فرهنگی و انطباق با قواعد رفتار اجتماعی مورد انتظار و به عکس در عدم متابعت وی از معیارها و موازین مقرر و هنجارهای اجتماعی و بدل شدن به یک بزهکار اجتماعی^۱ نقش دارند.

گروه پنجم متغیرها به زمینهٔ گسترده‌تر از یک تحلیل جامعه‌شناختی از فرایند جامعه‌پذیری و یادگیری رفتار مجرمانه و بزهکارانه متوجه است. در این گروه وضعیت و شرایط فعلی زندگی فرد^۲ نظیر میزان کنترل که والدین بر فرزند خود، آزادیهایی که کودک در فعالیتها و امور روزانهٔ خود دارد، منطقه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند (محلۀ مسکونی)، نوع مدرسه‌ای که در آن تحصیل می‌کند، نوع همبازها و گروه همال فرد، اینکه در چه گروههایی عضویت دارد و آیا این گروهها از نوع گروههای بزهکار به شمار می‌آیند و بالاخره نحوهٔ استفادهٔ فرد از اوقات فراغت و چگونگی گذران آن با توجه به زمینه‌های ذوقی، سلائق و علائق او که عوامل تأثیرگذار بر راست رفتاری یا کجرفتاری فرد مورد نظر هستند.

در مدل کلارک متغیرهای مطرح شده در گروه ۱ تا ۵، شروطی لازم^۳ در نظر آمده‌اند که زمینه‌های گرایش فرد به بزهکاری را فراهم می‌سازند.

گروه متغیرهای ۶ تا ۸ در مدل ارائه شده با متغیرهایی مشخص شده‌اند که به طور مستقیم بر تصمیم و تمایل فرد در ارتکاب جرم یا بزه‌ای خاص نظیر وندالیسم مؤثراند.

در گروه ششم متغیرها که تحت عنوان بحرانها و وقایع^۴ طبقه‌بندی گردیده‌اند، به برخی از عوامل که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در تمایلات فرد به وندالیسم مؤثرند توجه شده است. کلارک معتقد است داشتن تمایلات اولیه و آمادگی روانی برای ارتکاب عمل وندالیسم محتملاً می‌تواند ناشی از احساس کسالت، درماندگی، افسردگی و خشم و عصبانیت فرد باشد. خود این

1. Social Delinquent

2. Current Living Circumstances

3. Necessary Condition

4. Crises and Events

احساسات نیز معلول شرایط نامطلوب، تیره‌روزیها و بحرانها و مشکلات زندگی فرد هستند. در گروه هفتم متغیرها، که کلارک آن را شرایط، موقعیتها و وضعیتهای خاص^۱ می‌نامد احتمال بروز رفتار وندالیستی بیشتر است. مثلاً خیابانهای مناطق فقیرنشین، مکانهای فاقد گشت پلیس، مکانهای مخروبه و متروک، کوچه‌ها و خیابانهای تاریک و خلوت، خانه‌های خالی و مکانهایی که سابقه وندالیسم در آنها بوده و بالاخره اشیاء و موضوعاتی که قبلاً وندال‌ها ویران کرده‌اند، بیشتر در معرض وندالیسم قرار دارند و در آنها تخریب دخیل است. بالاخره کلارک جریانات شناختی^۲ و ادراکی^۳ و نیز حالات و وضعیت‌های انگیزشی^۴ فرد را زیر عنوان هشتمین گروه از متغیرهای مرتبط با رفتار وندالیستی مطرح می‌کند. کلارک معتقد است اینکه آیا فرد تصمیم به عمل وندالیسم خواهد گرفت یا نه بستگی تام به این دارد که او چگونه فرصتها را در وضعیت خاص ادراک و متعاقباً به عمل اقدام خواهد کرد (کلارک، همان، صص ۷-۲).

محققان بسیاری (گلداستون ۱۹۹۸ و ۱۹۹۰؛ هوبر، همان؛ استفنس میر ۱۹۸۹) کوشیده‌اند تا رابطه وندالیسم را با برخی از عوامل و متغیرهای اجتماعی، جمعیتی، محیطی و روانی بسنجند، که به تشریح برخی از این متغیرها و رابطه هر یک با وندالیسم می‌پردازیم:

۱. سن و جنس

از آنجا که برخی از رفتارهای بزهکارانه نظیر وندالیسم، دزدی از مغازه‌ها و نظائر آن خاص سنین نوجوانی و جوانی (سنین ۱۵ الی ۲۵ سال) است، از این رو در تحقیقات متعددی به رابطه بین متغیر سن و جرم پرداخته‌اند.

استفنس میر (همان) در تحقیقی تحت عنوان «سن و توزیع جرم» این فرضیه هیرشی را که «شکل توزیع سن مجرمان برای جرمهای متفاوت همواره در تمامی گروهها و طبقات اجتماعی یکسان است» مورد آزمون قرار داده است.

در پژوهشی دیگر تحت عنوان «سن و جرم و دوره‌های اولیه زندگی» راتنر و شاویت (۱۹۸۸) فرضیه هیرشی را برخلاف پژوهش استفنس میر نه تنها رد نمی‌کنند بلکه آن را تقویت می‌کنند.

به نظر شاویت و راتنر (۱۹۸۸، ص ۱۴۶۶) متغیرهای دیگری که در تبیین شکل توزیع

1. Situation
3. Perceptual

2. Cognitive
4. Motivational

سنی بزهکاری مفیداند عبارت‌اند از: سطوح موقعیت تحصیلی، تجربه کاری، منزلت شغلی و اقتدار شغل، مدت زمان ترک مدرسه، مدت زمان ازدواج و مدت زمان اتمام خدمت وظیفه. به عقیده آنان در فاصله سنی ۱۵ الی ۲۶ سال اعمال تبهکارانه به سرعت به اوج خود می‌رسد و ناگهان افول می‌کند.

علاوه بر بحرانهای روحی و اضطرابی که در این سنین خاص، گریبانگیر نوجوانان است، در سنین نوجوانی و در بحرانهای ناشی از بلوغ، انسان شدیدتر تحت تأثیر محیط قرار می‌گیرد و با انگیزه‌هایی قوی از جمله خودنمایی و خود را فردی مقتدر دانستن، ممکن است به حرکاتی وندالیستی روی آورد. یادگیری از طریق تقلید در این سنین بسیار قوی است. در بررسی سایر عوامل، بررسی پژوهشگران شهرداری رتردام، در اواخر دهه ۱۹۷۰، متخلفان دستگیر شده که مبادرت به تخریب وسیله نقلیه عمومی کرده بودند، همگی دارای سنین پایینی بودند؛ تعداد بسیاری از آنان بین ۱۲ تا ۱۸ سال داشتند و سن متوسط آنان ۲۵ سال بود و اکثر آنها (۸۹ درصد) مذکر بودند.^(۶)

۲. تراکم جمعیت

کثرت جمعیت، به طور مستقیم باعث بروز نشانه‌های مربوط به تباهی و موقعیتهای ناگوار است و این فکر که می‌توان، با ایجاد محدودیتهای متناسب، افراد جدیدی از نوع آدمی را به عمل آورد که از آثار کثرت و تپیدگی جمعیت مصون بمانند، به نظر چیزی جز یک توهم خطرناک نیست.^(۷)

هویر (همان، ص ۱۳۱) در مقاله خود ضمن اشاره به ارتباط میان وندالیسم و تراکم جمعیت خاطرنشان می‌سازد که ناتوانی پلیس در جلوگیری از رفت و آمد و حرکت افراد وندال در مناطق پرجمعیت و به طور کلی صعوبت بازبینی و کنترل مکانهای پرزدحام نظیر ترمینالهای مسافری، ایستگاههای قطار، فرودگاهها و نظایر آن موقعیتهای شرایط لازم را برای وقوع برخی از جرائم از جمله وندالیسم فراهم می‌سازد. از این رو جای تعجب نیست که رفتارهای مجرمانه و جنایتکارانه سالهاست که در اطراف مناطق و اماکن حمل و نقل عمومی به وقوع می‌پیوندد.

۳. ناسازگاری

با توجه به برداشتهای جامعه‌شناختی در باب مسائل اجتماعی، اغلب صاحب‌نظران علوم اجتماعی، بر این عقیده‌اند که در نظریه‌های علوم اجتماعی در دوران جدید، همواره دو برداشت اساسی، مطرح بوده است: «نظریه نظم اجتماعی»، و «نظریه انتقاد اجتماعی». صاحب‌نظران نظریه نظم اجتماعی به حفظ وضع موجود معتقدند. از دیدگاه اینان معیار و سنجه تعریف سلامت و بیماری اجتماعی یا سازگاری و ناسازگاری افراد در اجتماع، ارزشهای فرهنگی و رفتارهایی است که از نظام اجتماعی سرچشمه می‌گیرد و رفتار نابه‌هنجار و ناسازگار، رفتارها و پدیدارهایی است که از رفتارهای تعیین شده در نظام اجتماعی، منحرف می‌شوند. در این نظریه، معیار تعریف و تبیین رفتارهای درست و نادرست، آرمانهای نگاه‌دارنده نظام موجود اجتماعی است. صاحب‌نظران نظریه انتقادی، بر این عقیده‌اند که نظام موجود اساساً بیمارگونه است و سنجه‌های تعریف تندرستی اجتماعی، امکانات نهفته عینی است و سنجه‌های تندرستی و بهزیستی را ناکجا آباد آینده به ما نشان می‌دهد و نه ارزشهای نظام بیمارگونه اجتماعی.^(۸)

۴. عوامل خانوادگی

در بحث از تأثیر عوامل خانوادگی در بروز وندالیسم، تأثیر طلاق و جدایی از پدر و مادر بسیار مهم است. در مورد متأهلان، رضایت از همسر و برای دیگران، این امر که آیا محیط خانه، مکان خوبی برای درس خواندن و یا گذران اوقات فراغت است یا نه مهم است. درباره مسائل مرتبط با زمینه‌های خانوادگی، واضح است که شخصی که کودکی یا نوجوانی خود را نزد کسی غیر از پدر و مادر خود گذرانده و یا در مؤسسه‌های شبانه‌روزی نگهداری شده است و پدر و مادر به علت طلاق از هم جدا بوده‌اند، آن شخص همواره آسیب‌پذیرتر بوده و معمولاً دارای امکان ناسازگاری بیشتری است.

یک بررسی انجام شده درباره وندالیسم به شیوه «خود - گزارشی» نشان داده که انگیزه اصلی، خشم نسبت به والدین و مدیران مدرسه است.

تحقیقات آماری انجام شده درباره نوجوانان بزهکار در مواردی نتایج متفاوت ولی در

بسیاری موارد، شبیه به هم داشته‌اند:

تحقیقات پروفیسور هوپر نشان می‌دهد که ۸۸ درصد نوجوانان بزهکار از خانواده‌های از هم پاشیده برخاسته‌اند ولی بررسی پی نائل نشان می‌دهد که فقط ۵۸ درصد نوجوانان بزهکار در چنین اوضاعی بوده‌اند.^(۹)

۵. تفریح

میر و کلینارد درباره انگیزه‌های خرابکاری نوشته‌اند:

«وندالیسم را اغلب جوانان انجام می‌دهند، بدون آنکه بدانند این عمل جرم است، آنها اعمال خود را شوخی و مزاح^۱ و یا آتش سوزاندن^۲ می‌دانند. این واقعیت که اغلب در حین اعمال وندالیسم، چیزی دزدیده نمی‌شود، این مفهوم را تقویت می‌کند که آنها «شیطنت می‌کنند و آتش می‌سوزانند» و بزهکار نیستند. تخریب اموال برای آنها، به منزله تفریح است و هیجان‌انگیز و در واقع اعتراضی است در مقابل نقشهایی که مبهم تعریف شده‌اند و اعتراضی است به موقعیت مبهم در ساختار اجتماعی.» (میر و کلینارد، همان، ص ۲۰۸).

۶. عوامل مربوط به خود دستگاهها و وسائل

دو نکته مهم در اینجا جلب نظر می‌کند: «برانگیخته شدن احساس اجحاف و اصرار در به کار انداختن دستگاه خراب
تلفن خراب، احساس اجحاف شخص را برمی‌انگیزد و چنانچه قبلاً اشاره شد، او را به تخریب تلفن وامی‌دارد و چنین است وضعیت تخریب اتوبوسهایی که دیر می‌رسند و ناراحت کننده‌اند و... به قول ژانورن «در تخریب تلفن، در بسیاری از مواقع، علت، احساس اجحاف نیست بلکه شخص بر دستگاه مشت می‌کوبد چون می‌خواهد شماره بگیرد. یعنی فکر می‌کند که «چیزی» در دستگاه اشکال دارد و با کوبیدن بر روی آن، دستگاه کار خواهد کرد» (ژانورن ۱۳۶۷، ص ۳۳).

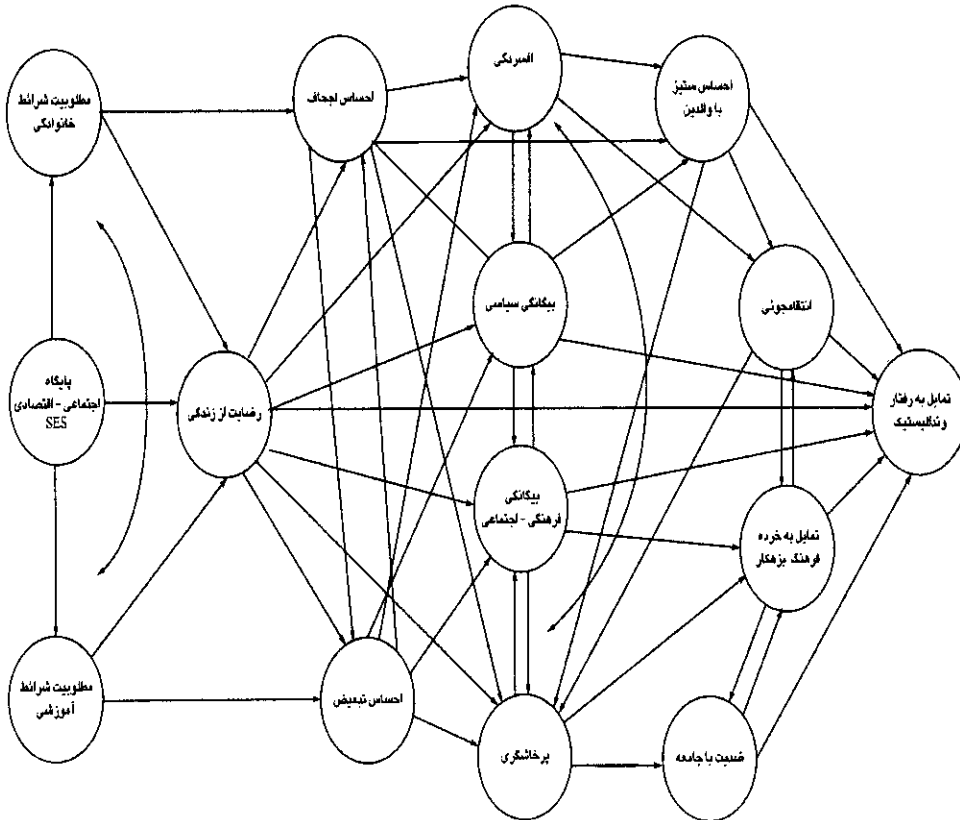
۷. پدیده گلوله برفی

دیدن یک شیشه شکسته، بدون وجود هیچ احساس اجحافی، شخص را وامی دارد که سایر شیشه‌ها را بشکند. این عمل، تابع قانون جاذبه و جذابیت است. پدیده گلوله برفی و جنبه سرایت آمیز آن در روان‌شناسی، امری شناخته شده است. کافی است که کسی اولین گلوله برفی را بزند، دیگران معمولاً از او پیروی می‌کنند و به عواقب کار خود نیز نمی‌اندیشند. یک صندلی چاقو خورده را در مترو بگذارید. خواهید دید که در مدتی بسیار کوتاه، همه صندلیهای واگن با نیش چاقوی وندالها آشنا خواهد شد. این همان قانون جاذبه و جذابیت است.^(۱۰)

الگوی نظری تحقیق

با عنایت به مبانی نظری وندالیسم و در پرتو نظریه‌های کلارک، ژانورن، میر و کلینارد، گلداستون، هوبر، ویلکینسن، استفنس میر، الیوت اورنسون و دیگران و نیز اعتبار متغیرهایی، که در جریان تحلیل دو متغیره محققان پیشین (هوبر ۱۹۹۱، گلداستون ۱۹۹۸، استفنس میر ۱۹۸۹ و ...) معنی دار شناخته شده بودند می‌توان با ارائه الگوی نظری، تمایل به رفتار ویرانگرانه را تحت تأثیر عواملی چند فرض کرد:

مدل نظری شبکه روابط علی ووندالیسم



در الگوی نظری ارائه شده متغیرهای SES، مطلوبیت شرایط خانوادگی و مطلوبیت شرایط آموزشی از طریق متغیر رضایت از زندگی با واسطه بر تمایل فرد به ارتکاب وندالیسم تأثیرگذار است (هوپر، همان، کلارک، همان، گلداستون ۱۹۹۸، استفنس میر، همان). متغیر احساس اجحاف از طریق متغیرهای مختلفی به طور غیرمستقیم بر تمایل فرد به وندالیسم تأثیر می‌گذارد: اولاً این متغیر از طریق متغیرهای افسردگی و احساس ستیز با والدین بر تمایل به وندالیسم تأثیرگذار است (کلارک، همان). ثانیاً از طریق احساس افسردگی، احساس ستیز با والدین و انتقامجویی بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارد (رانتر و شویت، همان، گلداستون، همان، استفنس میر ۱۹۸۹). ثالثاً احساس اجحاف از کانال بیگانگی سیاسی بر تمایل به وندالیسم تأثیر می‌گذارد (فردینبرگ ۱۹۸۳). رابعاً احساس اجحاف از طریق متغیر احساس تبعیض، پرخاشگری

و ضدیت با جامعه بر تمایل به وندالیسم تأثیرگذار است (کلارک، همان، هوبر، همان). متغیرهای بیگانگی سیاسی، آنومی اجتماعی، انتقامجویی، ضدیت با جامعه، احساس ستیز با والدین، تمایل به خرده فرهنگ بزهکار و رضایت از زندگی به طور مستقیم بر تمایل به وندالیسم تأثیرگذارند (رانتر و شاویت، همان، استفنس میر، همان، هوبر، همان). مطلوبیت شرایط خانوادگی از طریق احساس اجحاف، افسردگی، احساس ستیز با والدین بر وندالیسم تأثیرگذار است. این متغیر همچنین به طور غیرمستقیم از طریق رضایت از زندگی، آنومی و تمایل به خرده فرهنگ بزهکار بر وندالیسم تأثیر می‌گذارد. مطلوبیت شرائط آموزشی نیز از طریق احساس تبعیض، پرخاشگری و ضدیت با جامعه بر وندالیسم تأثیرگذار است.

متدلوژی

۱. روش مطالعه

در بررسی تجربی وندالیسم در تهران سعی شد از روش اسنادی و روش پیمایش در بررسی وندالیسم در تهران استفاده گردید. مزیت پیمایش بر روشهای دیگر در کارآمدی و قدرت توصیف مناسب ویژگیهای واحدهای تحلیل و مقایسه دقیق خصوصیات آنها به کمک استنباطات علی است (دواس ۱۳۷۶).

۲. جامعه آماری و روش نمونه‌یابی

در بررسی وندالیسم در تهران عمدتاً از دو جامعه مستقل نمونه‌یابی شد. جامعه آماری نخست مشتمل بود بر کلیه نوجوانان و جوانان بزهکار با سابقه وندالیسم بین سنین ۱۰ تا ۲۵ سال نگهداری شده در دارالتأدیب‌ها، مراکز بازپروری، زندانها و کانونهای اصلاح و تربیت شهر تهران. جامعه آماری دیگر شامل کلیه نوجوانان و جوانان تهرانی در گروه سنی ۱۰ الی ۲۵ سال ساکن در مناطق بیستگانه شهر تهران بود.

در نمونه‌یابی خود با کاربرد روشهای متداول تعیین حجم نمونه (شارپ ۱۹۹۲) از جامعه اول (وندال‌های نگهداری شده در مراکز بازپروری، زندانها و کانونهای اصلاح که در زمان جمع‌آوری اطلاعات حدود ۴۰۳ نفر بودند، ۱۹۲ نفر به عنوان جامعه نمونه با دقت احتمالی

مطلوب $d = 5\%$ و ضریب اطمینان 95% ($t = 1/96$) به دست آمد. نتایج به دست آمده از این نمونه با کم تر از ۵ درصد خطا به جمعیت کل تعمیم پذیر بود. با در نظر گرفتن دو صفت تجربه رفتار بزهکارانه (سابقه بزهکاری) و پایگاه اجتماعی - اقتصادی والدین (SES) به انتخاب جامعه نمونه از جامعه کل اقدام شد. در این روش با منظور کردن نسبت توزیع صفات و خصوصیات مورد نظر در جامعه کل به تعیین همان نسبت در جامعه نمونه پرداخته می شود (شارپ، همان، ص ۱۲۱).

در خصوص نمونه پایی گروه دوم (نوجوانان و جوانان در گروه سنی ۱۰ الی ۲۵ سال ساکن در مناطق بیست گانه شهر تهران) به دلیل دشواری و صعوبت کاربرد تکنیک های نمونه گیری احتمالی، از روش نمونه گیری سهمیه ای^۱ به عنوان یکی از صور رایج نمونه گیری غیر احتمالی^۲ استفاده شد. در این شیوه هدف ارایه نمونه ای معرف^۳ بدون اقدام به انتخاب تصادفی افراد است (دواس، همان، ص ۸۵) بدین منظور با سهمیه بندی همزمان سه خصیصه سن، جنس و توزیع منطقه ای جمعیت نمونه ای برابر با نمونه جامعه اول انتخاب شد.

۳. تکنیک جمع آوری اطلاعات و ابزار سنجش

پرسشنامه های کتبی - حضوری و تکنیک مشاهده مستقیم از مهمترین ابزار گردآوری اطلاعات در این پیمایش بود. از پرسشنامه های نظرسنجی برای شناخت وضع رفتار و عقیده، انگیزشها، تمایلات، خصوصیات شخصیتی و خلقی آزمودنیها و از تکنیک مشاهده برای ثبت اطلاعات مربوط به اماکن و اشیای تخریب شده و ندالها استفاده شد.

به دلیل کیفی بودن ماهیت موضوعات و مفاهیم تحت مطالعه و انتزاعی بودن بسیاری از مفاهیم، ضرورت استفاده از مقیاسهای سنجش و شاخصهای ترکیبی اجتناب ناپذیر بود. برای احتساب روایی مقیاسهای سنجش از آلفای کرونباخ با دامنه صفر تا یک استفاده شد. با توجه به مقادیر آلفای کرونباخ، مقدار α برای همه شاخصها محاسبه شد.

به دلیل مدخلیت عوامل متعدد در وندالیسم به مثابه متغیر معلول و به منظور سنجش تاثیرات جمعی و همزمان متغیرهای مستقل (X) بر متغیر وابسته از تحلیل چند متغیره استفاده شد.

رگسیون چند متغیره امکان می دهد علاوه بر تعیین میزان تأثیر هریک از متغیرهای مستقل، میزان کلی تغییرات متغیر وابسته (تمایل به وندالیسم) که مجموع متغیرها نشان می دهند، بررسی شود.

از تحلیل مسیر نیز برای بررسی آثار مستقیم و غیرمستقیم هریک از متغیرهای مستقل (X) بر روی متغیر وابسته (Y) استفاده شد.

یافته ها و نتایج

۱. خصوصیات وندالها

نتایج به دست آمده از بررسی خصوصیات فردی، خانوادگی، اعتقادی، شخصیتی و رفتاری وندالهای تحت مطالعه در تهران، کم و بیش مشابهت آنها را با وندالها و جوانان بزهکار مطالعه شده در جوامع دیگر نشان می دهند. بدین ترتیب نتایج به دست آمده از این پیمایش درباره ویژگیهای وندالهای مورد بررسی ضمن حمایت از یافتههای پیشین (میر و کلینارد، همان، گلداستون ۱۹۹۰، گلداستون ۱۹۹۸، ویلکینسن، همان، هوبر، همان، کلارک، همان و ...) نشان دهنده آن است که وندالها یک تیپ یا گروه بزهکار واجد ویژگیهای فردی، شخصیتی، خانوادگی، اعتقادی و رفتاری مختص به خود هستند که آنها را از افراد غیروندال ممتاز و متمایز می سازد.

براساس نتایج حاصله از حیث توزیع جنسی اکثریت قریب به اتفاق آنان (۹۸/۲ درصد) مذکراند. بیشترین درصد آنها (۹۷/۳ درصد) در گروه سنی ۱۴ تا ۲۹ سال قرار دارند. قریب به نیمی از آنان (۴۸ درصد) مهاجر و بالغ بر ۸۱ درصد دارای منشأ شهری (متولد شهر) هستند. از حیث سواد ۳۴ دارای تحصیلات زیر دیپلم اند و حدود ۴۳ درصد قبل از ورود به دوره راهنمایی ترک تحصیل کرده اند. از اینرو از نظر تحصیلی جزو افراد ناموفق و سرخورده به حساب می آیند. بیش از ۷۳ درصد آنان دارای والدینی بی سواد یا کم سواد با مشاغلی در سطوح پایین و با درآمدها و دستمزدهای اندک و قلیل اند، به طوری که با احتساب SES (پایگاه یا وضعیت اجتماعی - اقتصادی) خانواده، بالغ بر ۷۰ درصد وندالهای تحت مطالعه در SES پایین قرار می گیرند.

از طرفی نتایج تحقیق نشان می دهد که اغلب آنها مجرداند (۷۱ درصد) و بالغ بر ۶۲ درصد

وندال‌های تحت مطالعه فرزندان والدینی ناموفق در زندگی زناشویی و متعلق به خانواده‌های از هم پاشیده‌اند. حدود ۳۸ درصد از این افراد دوران کودکی و نوجوانی خود را در محیط‌هایی بدون سرپرستی و حمایت روحی، عاطفی و مادی والدین اصلی خویش و در خانه‌های ناپدری، نامادری، مراکز اصلاح، پرورشگاهها و نظایر آن گذرانده‌اند. محیط زندگی آنان مملو از تجارب نامطلوب و زمینه‌ها و شرایط مساعد برای تربیت و پرورش شخصیت‌های کجرو و نژند است.

۳۳ درصد دارای والدینی معتاد، ۴۱ درصد دارای والدینی با سابقه مجرمیت و ۶۱ درصد با تجربه تنبیه بدنی در منزل، مدرسه و محیط اجتماعی پیرامون بوده‌اند. بالغ بر ۵۸ درصد وندال‌های مورد بررسی دارای دوستانی با سابقه بزهکاری بوده و ۴۲ درصد از آنان در دارودسته‌ها و گروه‌های بزهکار عضویت داشته‌اند. درجه مطلوبیت وضعیت گروه‌های همال وندال‌های تحت مطالعه در مقایسه با غیروندال‌ها بسیار نازل است.

نتایج پیمایش وندالیسم در تهران نشان می‌دهد که میزان بیماری افسردگی و پرخاشگری در گروه وندال‌ها به مراتب بیش از گروه غیروندال است، به طوری که بالغ بر ۷۰ درصد وندال‌ها به بیماری پرخاشگری و حدود ۶۷ درصد به بیماری افسردگی براساس تست (SCL90) دچار بوده‌اند. همچنین مددجویان وندال تحت بررسی از حیث درجه تمایل به خشونت و ویرانگری (وندالیسم) براساس مقیاس کلارک، میزان آنومی اجتماعی براساس مقیاس شوارتز، درجه ضدیت با جامعه و ارزشهای فرهنگی براساس مقیاس لیکرت، مورالیسم یا اخلاق‌گرایی براساس مقیاس فلکس، احساس ستیز با والدین براساس مقیاس گود و هارلوک، احساس خوشبختی براساس مقیاس برادبورن و کاپلووتیز، درجه دینداری براساس مقیاس لیکرت، احساس رضایت از زندگی براساس مقیاس لیکرت، انتقامجویی براساس مقیاس کلارک، میزان احساس انزوا و در حاشیه بودن براساس مقیاس سیمن، واقع بودن در معرض تبعیض در خانه، مدرسه و محیط کار براساس مقیاس وید و تمایل به خرده فرهنگ بزهکار براساس مقیاس کوهن به نحو بارزی از گروه غیروندال متمایز و ممتازاند. نتایج به دست آمده از کاربرد آزمون تی^۱ و آزمون کای اسکوار^۲ در گروه وندال (G1) و غیروندال (G2) و به منظور تعیین معنی‌داری اختلاف میانگین نمره‌های دو گروه و نیز تفاوت فراوانیهای مورد مشاهده و مورد انتظار در جدول زیر منعکس است:

آنومی اجتماعی

G1	T = 2.45	>	1.750	$\alpha = .05$
G2	ارزش تی		ارزش جدولی	سطح معنی داری
پرخاشگری				
G1	T = 3.53	>	1.943	$\alpha = .05$
G2	ارزش تی		ارزش جدولی	سطح معنی داری
افسردگی				
G1	T = 2.76	>	1.83	$\alpha = .05$
G2	ارزش تی		ارزش جدولی	سطح معنی داری
تمایل به وندالیسم				
G1	$\chi^2=12.44$	>	9.49	$\alpha = .05$
G2	ارزش کی دو		ارزش جدولی	سطح معنی داری
انتقامجویی				
G1	$\chi^2=11.26$	>	9.49	$\alpha = .05$
G2	ارزش کی دو		ارزش جدولی	سطح معنی داری
احساس اجحاف				
G1	$\chi^2=9.81$	>	9.49	$\alpha = .05$
G2	ارزش تی		ارزش جدولی	سطح معنی داری
بیگانگی سیاسی				
G1	T = 5.33	>	2.01	$\alpha = .05$
G2	ارزش تی		ارزش جدولی	سطح معنی داری
ضدیت با جامعه				
G1	$\chi^2=14.04$	>	9.49	$\alpha = .05$
G2	ارزش کی دو		ارزش جدولی	سطح معنی داری
اخلاق گرایی				
G1	$\chi^2=11.15$	>	9.49	$\alpha = .05$
G2	ارزش کی دو		ارزش جدولی	سطح معنی داری
احساس ستیز با والدین				
G1	$\chi^2 = 10.12$	>	9.49	$\alpha = .05$
G2	ارزش کی دو		ارزش جدولی	سطح معنی داری

احساس خوشبختی

G1	$\chi^2 = 22.46$	>	9.49	$\alpha = .05$
G2	ارزش کی دو		ارزش جدولی	سطح معنی داری

دینداری

G1	$\chi^2 = 13.39$	>	9.49	$\alpha = .05$
G2	ارزش کی دو		ارزش جدولی	سطح معنی داری

رضایت از زندگی

G1	$\chi^2 = 9.80$	>	9.49	$\alpha = .05$
G2	ارزش کی دو		ارزش جدولی	سطح معنی داری

احساس انزوا

G1	$\chi^2 = 18.17$	>	9.49	$\alpha = .05$
G2	ارزش کی دو		ارزش جدولی	سطح معنی داری

احساس تبعیض

G1	$\chi^2 = 12.2$	>	9.49	$\alpha = .05$
G2	ارزش کی دو		ارزش جدولی	سطح معنی داری

تمایل به خرده فرهنگ بزهکار

G1	$\chi^2 = 18.12$	>	9.49	$\alpha = .05$
G2	ارزش کی دو		ارزش جدولی	سطح معنی داری

۲. علل، انگیزه‌ها و موضوعات

الف. علل و انگیزه‌ها

وندالیسم پدیده پیچیده‌ای است که به تعداد بسیار زیادی متغیرهای دارای وزنهای نسبی متفاوت وابسته است. به قول دیوید سیلنز: "با هر الگویی که این متغیرهای متعدد را به کار گیریم می‌توانیم استدلال کنیم:

۱. افراد در بطن نیروهای اجتماعی (منزلت، تعلیم و تربیت و آموزش، مذهب و ...) محاط

شده‌اند.

۲. تفاوت‌های شخصیتی از نظر توانمندیها و استعدادها موجب می‌شود که افراد به لحاظ

آمادگی برای پاسخ به محرکهای اجتماعی متفاوت باشند.

۳. اینکه پیش شرطهای اجتماعی و روان‌شناختی تا چه حد بر فعالیت و رفتار اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارند تا حدود زیادی به محیطهای اجتماعی شامل نهادها و ساختارهای اجتماعی، الگوهای اعتقادی، اعتقادات و ارزشهای فرهنگی و سیاسی بستگی دارد. این سه دسته از متغیرها (نیروهای اجتماعی، تفاوت‌های شخصیتی و محیطهای اجتماعی) به شدت مرتبط و به هم آمیخته‌اند و هر تغییری در هریک از آنها بر کنشها و رفتارهای آدمی تأثیر می‌گذارد و هر تحلیلی که فقط مبتنی بر یکی از آنها باشد، خام و گمراه‌کننده است. (دیوید سیلز ۱۹۶۹، ص ۲۵۶).

نتایج به دست آمده از پیمایش وندالیسم در تهران نشان می‌دهد که با عنایت به علل و انگیزه‌های رفتار وندالیستی، وندال‌های تحت بررسی انگیزه‌هایی نظیر انتقام‌جویی، ابراز خشم و تنفر و نارضایتی در اثر اجحاف و احساس ناکامی (۴۳ درصد)، خودنمایی، خود ابرازی و خود اثباتی (۲۳ درصد)، تفنن و بازی (۱۴ درصد)، مبارزه با نظم موجود (۱۲ درصد) و کسب حیثیت، قدرت و اعتبار در گروه عضویتی (۸ درصد) را عمده‌ترین انگیزه‌های رفتاری خود ذکر کرده‌اند. با توجه به علل وندالیسم نیز اطلاعات مأخوذ از مددجویان وندال نشان دهنده گروه وسیعی از عوامل اجتماعی، خانوادگی، فرهنگی، فردی و روانی دخیل در بروز رفتارهای وندالیستی نظیر: احساس تبعیض، تمایل به خرده فرهنگ بزهکار، احساس سرخوردگی، والدین بی‌بند و بار و ... است. انگیزه‌ها و علل مذکور کم و بیش با انگیزه‌ها و عللی که وندال‌های دیگر در بررسیهای پیشین ابراز کرده‌اند، همخوانی دارد.

ب. موضوعات

موضوعات وندالیسم نیز متعدد و متنوع است و به ترتیب فراوانیهای مشاهده شده در مناطق بیست‌گانه شهر تهران از شعارنویسی و خط‌کشی بر روی در و دیوار، میز و صندلی و درخت تا تخریب تلفن عمومی، پاره کردن صندلی اتوبوس، شکستن شیشه اتوبوس و قطار، تخریب اموال سینما، تخریب کتب و مجلات کتابخانه، تخریب اموال و متعلقات مدرسه، تخریب اموال و متعلقات سینماها، تئاترها، موزه‌ها و گالریها، تخریب فضای سبز خصوصاً اموال پارکها و مکانهای فرهنگی و ورزشی نظیر سالنهای ورزشی، استادیوم‌ها، فرهنگسراها و ... ، شکستن نرده خیابانها، پلها و معابر عمومی، شکستن لامپ خیابانها، تخریب اتومبیلهای شخصی، تخریب آثار تاریخی و تخریب اموال مسجد گسترده است.

۳. برازش الگوهای تحلیلی

رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر

با عنایت به مبانی نظری وندالیسم و در پرتو نظریه‌های ژانورن، میر و کلینارد، کوهن، کاوان، آرکلارک، گلداستون، هوبر، ویلکینسن و دیگران و نیز اعتبار متغیرهایی که در جریان تحلیل دو متغیره معنی‌دار شناخته شدند، متغیر وابسته (میزان تمایل به رفتار وندالیستیک) تحت تأثیر عوامل زیر در نظر گرفته شد:

پایگاه اجتماعی - اقتصادی والدین، میزان مطلوبیت شرایط خانوادگی، میزان مطلوبیت شرایط آموزشی، رضایت از زندگی، احساس خوشبختی، درجه دینداری، میزان مورالیسم (اخلاق‌گرایی)، احساس اجحاف، احساس تبعیض، احساس انزوا، میزان آنومی اجتماعی، میزان بیگانگی سیاسی، میزان افسردگی، میزان پرخاشگری، احساس ستیز با والدین، احساس ضدیت با جامعه، احساس انتقامجویی و تمایل به خرده فرهنگ بزهار.

در جریان تحلیل رگرسیون چند متغیره ۸ متغیر در سطح $\alpha = 0/05$ در معادله باقی مانده و معنی‌دار تشخیص داده شدند و ۱۰ متغیر اخلاق‌گرایی، احساس انزوا، دینداری، احساس خوشبختی، SES، احساس تبعیض، بیگانگی سیاسی، افسردگی، احساس ستیز با والدین و ضدیت با جامعه از معادله حذف شدند.

نتایج اجمالی معادله رگرسیون متغیر وابسته با توجه به ضرایب Beta (ضریب تأثیر متغیر مستقل)، R (ضریب همبستگی رگرسیون چند متغیره)، R^2 (ضریب تعیین) و آزمون معناداری حضور هر متغیر مستقل در معادله (T) و سطح معناداری (SigT) به شرح زیر است:

متغیر آنومی اجتماعی تعیین‌کننده‌ترین عامل تأثیرگذار بر تمایل به وندالیسم در جامعه مورد مطالعه است. این عامل به میزان ۵۷ درصد ($Beta = 0.57$) بر متغیر وابسته تأثیر داشته و در سطح معنی‌داری ($Sig = 0.000$) با صددرصد اطمینان از نظر آماری تأیید گردیده است.

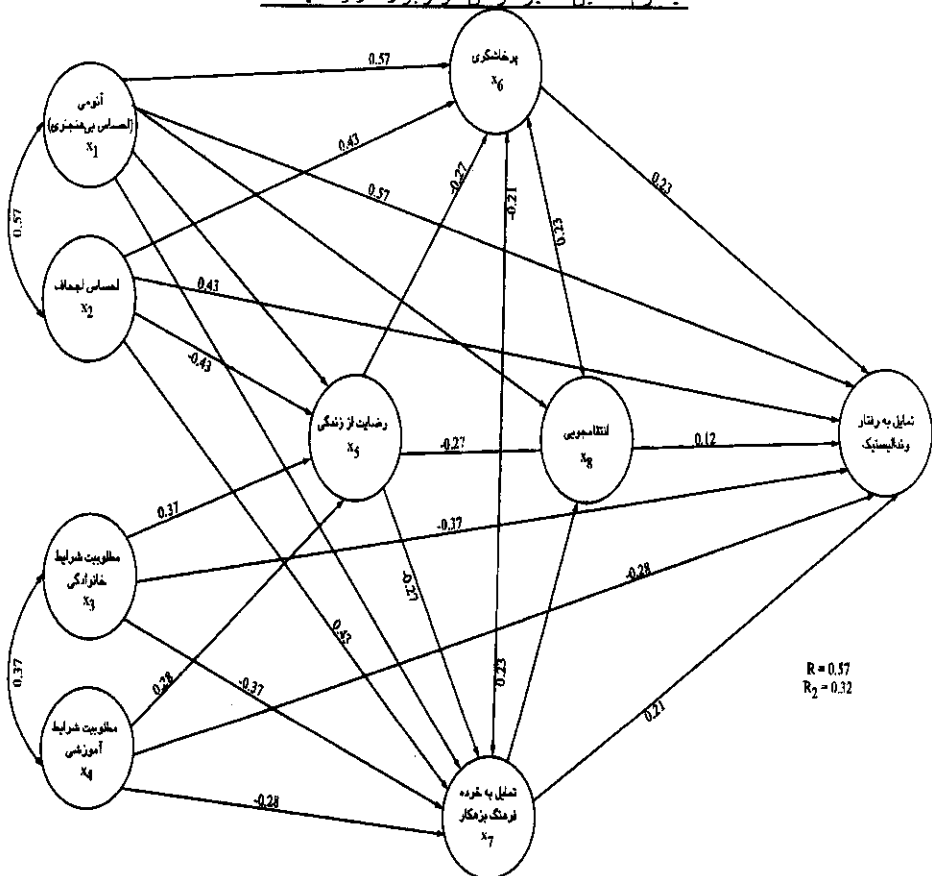
احساس اجحاف نیز دومین عامل مؤثر بر رفتار وندالیستیک و تمایل فرد به ارتکاب وندالیسم است. تأثیر این عامل را به میزان ۴۳ درصد ($Beta = 0.43$) با صددرصد اطمینان از نظر آماری می‌توان تأیید کرد.

به ترتیب مطلوبیت شرایط خانوادگی به میزان ۳۷ درصد، مطلوبیت شرایط

آموزشی به میزان ۲۸ درصد، رضایت از زندگی به میزان ۲۷ درصد، احساس پرخاشگری به میزان ۲۳ درصد، تمایل به خرده فرهنگ بزهکار به میزان ۲۱ درصد و احساس انتقامجویی به میزان ۱۲ درصد تعیین کننده‌ترین عوامل اثرگذار بر تمایلات جامعه مورد مطالعه به رفتار وندالیستیک قرار گرفته‌اند.

علاوه بر بررسی میزان تأثیر هریک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و تعیین میزان کل تغییرات "تمایل به وندالیسم" (متغیر Y) که مجموع متغیرهای مستقل نشان می‌دهند، با رسم دیاگرام تحلیل مسیر^۱ آثار مستقیم و غیرمستقیم هریک از متغیرهای علت را (X) بر روی متغیر معلول (Y) بررسی و از این طریق میزان متناسب بودن الگو را ارزیابی کرده‌ایم.

دیاگرام تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر رفتار وندالیستیک



1. Path Analysis

دیاگرام تحلیل مسیر ارائه شده بیان کننده آن است که متغیرهای آنومی اجتماعی و احساس اجحاف به طور مستقیم و بی واسطه بر تمایل فرد به رفتار وندالیستی تأثیر می گذارد. متغیرهای مطلوبیت شرایط خانوادگی و شرایط آموزشی نیز به طور معکوس بر میزان تمایل فرد به وندالیسم مؤثرند.

متغیر رضایت از زندگی به طور معکوسی با متغیرهای پرخاشگری و تمایل به خرده فرهنگ بزهکار همبسته است و بر میزان تمایل فرد به رفتار وندالیستیک اثر دارد. متغیرهای پرخاشگری و تمایل به خرده فرهنگ بزهکار هم به طور مستقیم و بی واسطه و هم از طریق متغیر انتقامجویی بر میزان تمایل فرد به وندالیسم اثر می گذارند.

در پرتو الگوی نظری تحقیق و براساس ارتباطات میان متغیرهای مستقل و وابسته مورد مشاهده و نوع و نحوه تأثیرات میان آنها در تحلیل چند متغیره و تحلیل مسیر می توان استدلال کرد که از یک سو اختلال و اغتشاش در محیطهای خانوادگی و آموزشی نوجوان و روابط اجتماعی او به تشدید احساس بی هنجاری (آنومی) در وی کمک می کند. (فرضیه کلارک، گلداستون، هوپر و کاوان) و از سوی دیگر خانواده و مدرسه از نخستین محیطهای اجتماعی است که در آن کودک و نوجوان می تواند در معرض تبعیض و اجحاف واقع شود و چنین احساساتی را تجربه کند (فرضیه هوپر، اورنسون). بدین ترتیب زمینه برای احساس نارضایتی از اوضاع و احوال زندگی برای نوجوان فراهم می آید. این خود با احساس ناکامی و درماندگی به شدت همبسته است (گلداستون، شاویت، استفنس میر) و بر تمایل فرد به خشونت (پرخاشگری) و عضویت در گروههای بزهکار تأثیر می گذارد (اورنسون، کلارک، استفنس میر). از طرفی احساس نارضایتی و احساس ناکامی و شکست در نوجوان که عمدتاً زائیده شرایط خانوادگی و محیط آموزشی و تحصیلی اوست، نه تنها به تشدید احساس پرخاشگری و تشویق وی به عضویت در گروههای بزهکار می انجامد، بلکه زمینه را برای انتقامجویی، رفتارهای معترضانه، فریادهایی از سر خشم و احساس اجحاف در او فراهم می سازد. تمایل به وندالیسم یکی از صور و حالات رفتاری منبعث از چنین شرایطی است (کلارک ۱۹۹۱، هوپر ۱۹۹۱، گلداستون ۱۹۸۹، استفنس میر ۱۹۸۹) که در آن ساختارهای اجتماعی، خانوادگی، آموزشی و فرهنگی از یکسو و تجارب منحصر به فرد فرد در محیطهای اجتماعی و علی الخصوص آسیبها و ضایعات روانی دوران کودکی و نوجوانی و آرزوهای ناکام شده و تمنیات سرکوب شده او از سوی دیگر زمینه را برای بی هنجاری و بزهکاری، که وندالیسم یکی از اشکال آن است، مهیا می سازد.

نتیجه

در این مقاله که در پرتو تحقیقات انجام شده در خصوص رندالیسم و مبتنی بر اطلاعات و نتایج تحقیق "رندالیسم در تهران بزرگ" تدوین و تنظیم شده، کوشیده‌ایم با اختصار و با استعانت از مباحث نظری رندالیسم و با استفاده از اطلاعات تجربی به دست آمده به ارائه بحثی تحلیلی دربارهٔ ویژگیهای افراد وندال پپردازیم و مطابقت این ویژگیها را با ویژگیهای وندال‌های مطالعه شده در جوامع دیگر به منظور حصول به مشابهت در الگوهای رفتار بزهکارانه بسنجیم.

دربارهٔ خصوصیات وندال‌ها، نتایج تحقیق نشان داد که وندال‌های تحت مطالعه در تهران از حیث برخی خصوصیات فردی، خانوادگی، شخصیتی، اعتقادی و رفتاری با وندال‌های مطالعه شده در جوامع دیگر کم‌وبیش مشابهتهایی دارند. بدین ترتیب نتایج به دست آمده ضمن حمایت از یافته‌های پیشین (گلداستون ۱۹۹۸، هوپر ۱۹۹۱، کلارک ۱۹۹۱ و ...) نشان داد که آنان از حیث پایگاه اجتماعی - اقتصادی والدین، گروه سنی، جنسیت، وضعیت مهاجرت، وضعیت آموزشی، مطلوبیت شرایط خانوادگی، تجارب نخستین دوران کودکی، نحوهٔ جامعه‌پذیری و تربیت اجتماعی، نوع گروههای عضویتی، شیوه‌ها و الگوی گذران اوقات فراغت، نحوهٔ سرپرستی عاطفی، نظامهای پاداش و مجازات، خلق و خو، احساسات، انتظارات، موضع‌گیریها و رفتارها با نوجوانان و جوانان غیروندال متفاوت بوده، و یک تیپ یا گروه بزهکار واجد ویژگیهای فردی، شخصیتی، خانوادگی، نگرشی و رفتاری مختص به خود می‌باشند که آنان را به نحو بارزی از افراد غیروندال ممتاز و متمایز می‌سازد.

براساس نتایج به دست آمده از کاربرد الگوی تبیینی و تحلیلی و استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر، می‌توان استدلال کرد که میل به رندالیسم به عنوان متغیر وابسته در این تحقیق متأثر از عوامل متعددی است که در شبکه‌ای از روابط علی با یکدیگر به سر می‌برند و کل تغییرات آن را مجموع متغیرهای علت نشان می‌دهند. در این الگو احساس بی‌هنجاری، احساس اجحاف، اختلال و نابسامانی در شرایط خانوادگی و شرایط آموزشی، رضایت فرد از زندگی را متأثر می‌سازند و متقابلاً احساس پرخاشگری را در فرد تشدید می‌کنند و بر تمایل فرد به عضویت در گروههای بزهکار اثر می‌گذارند. این خود احساس انتقامجویی و در نهایت گرایش به رندالیسم را در فرد تقویت می‌کند. در این الگو، تمایل به رندالیسم بازتابی از تأثیرات متقابل مجموعه‌ای از متغیرهای علت و منتج از مجموع بازخوردهای این عوامل است.

بدین ترتیب الگوی تحلیل مسیر ارائه شده به تنظیم مبانی نظری وندالیسم در طریقی نظام یافته و تجربی کمک می‌کند. بدیهی است تکرار مشاهده روابط علی میان متغیرهای X و Y و بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای علت بر متغیر معلول در بسترهای اجتماعی دیگر برای افزایش روایی، پایایی و اعتبار الگو توصیه می‌شود.

یادداشتها

۱. وندالیسم (Vandalism) مشتق از واژه وندال است. وندال (Vandal) نام قومی از اقوام ژرمن - اسلاو است که در قرن پنجم میلادی در سرزمینهای واقع در میان دو رودخانه اودر و ویستول زندگی می‌کردند. در زمان سلطنت ژانسریک یا گنسریک (م. ۴۷۷-۴۲۸) که یکی از پادشاهان قوم وندال بود، وندال‌ها به سرزمین گل و اسپانیا حمله و آن سرزمینها را تصرف کردند. آنان همچنین به متصرفات روم در افریقا هجوم آوردند و کارتاژ را گرفتند و بر مدیترانه مستولی شدند. آنان بر سر راه خود از آبادی و آبادانی هرچه دیدند نابود و تاراج کردند. همین شهرت تاریخی سبب شده است که امروزه وندالیسم را به معنی ویرانگری، وحشیگری و خرابکاری بکار برند. در خصوص وجه تسمیه وندالیسم مراجعه شود به:

الف) پاتریس ژانورن، وندالیسم بیماری جهانی خرابکاری، ترجمه فرخ ماهان، مجله دانشمند، شماره پی‌درپی ۲۹۹، شماره ۶، شهریور ۱۳۶۷، ص ۲۸؛

ب) محسنی تبریزی، علیرضا، علل وندالیسم در تهران و راههای پیشگیری و درمان آن، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، بخش روان‌شناسی اجتماعی، زمستان ۱۳۷۴؛

ج) ر.ک. به: کلینارد و میر ۱۹۸۶.

د) ر.ک. به: کلارک ۱۹۹۱.

۲. در زمینه خسارات ناشی از وندالیسم به اموال عمومی به: کلارک ۱۹۹۱ و هوپر ۱۹۹۱ مراجعه شود.

۳. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۴)، "طرح بررسی علل وندالیسم در تهران و راههای پیشگیری و درمان آن"، دانشگاه تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران.

۴. بین سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۷ دو بررسی موردی به وندالیسم و سبب‌شناسی آن در

وبسایت SID.ir ویدار پس از قطارهای مسافری، در قالب پایان‌نامه دانشجویی، اختصاص داشته است.

تا پایان سال ۱۳۷۱ در دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران که در واقع مؤسسه مطالعاتی شهرداری به شمار می‌رود. به طور مطلق هیچ سابقه‌ای در زمینه وندالیسم وجود نداشت. حتی آماری از میزان تخریب نه در شرکت واحد اتوبوس‌رانی و نه در مخابرات و نه در هیچ کجای دیگر به چشم می‌خورد.

در خصوص مطالعات موردی مربوط به وندالیسم در ایران رجوع شود به:

الف) رمضان‌نای، ناصر (۱۳۷۵)، وندالیسم: بررسی موردی عوامل مؤثر بر پیدایی رفتارهای وندالیستی در میان برخی پسران ۸ تا ۱۲ سال ساکن مناطق حاشیه خطوط راه‌آهن در جنوب شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، استاد راهنما دکتر علیرضا محسنی تبریزی، تهران.

ب) شکرریزی، زهرا (۱۳۷۷)، وندالیسم: بررسی موردی عوامل مؤثر بر پیدایش رفتارهای وندالیستی در دبیرستانهای پسرانه شهر تهران در سال تحصیلی ۷۶-۷۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، استاد راهنما دکتر علیرضا محسنی تبریزی.

ج) ر.ک. به: کلارک ۱۹۹۱، صص ۷-۲.

د) ر.ک. به: هوپر ۱۹۹۱، ص ۱۲۹.

۵. ر.ک. به:

I. Taylor, et. al. *The New Criminology : For A Social Theory of Deviance*, London, 1973.

مندرج در "آسیب‌شناسی اجتماعی، احمد اشرف، تهران، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاونی دانشگاه تهران، ۱۳۵۵".

۶. ر.ک. به: کلینارد و میر ۱۹۸۹، ص ۲۰۸.

۷. ر.ک. به: هوپر ۱۹۹۱، ص ۱۴۷.

۸. محسنی تبریزی، علیرضا، بیگانگی، طبقه‌بندی تئوریه‌ها در مکاتب جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، نامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، دوره جدید شماره ۲، تابستان ۱۳۷۰، تهران.

۹. ر.ک. به: کلینارد و میر، همان.

۱۰. ر.ک. به: ژانورن، پاریس، همان، ص ۳۱.

مآخذ

- ارونسون، الیوت (۱۳۶۹)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکرکن، تهران، انتشارات رشد.
- دواس، دی ای (۱۳۷۶)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایبی، نشر نی، تهران.
- دورکهایم، امیل (۱۳۴۳)، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علیمحمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ژانورن، پاتریس (۱۳۶۷)، وندالیسم: بیماری جهانی خرابکاری، ترجمه فرخ ماهان، مجله دانشمند، شماره پی در پی ۲۹۹، شهریور ۱۳۷۷، تهران.
- کرچ، دیوید، کراچفیلد، ریچارد اس، بلاکی، رجرتون ال (۱۳۴۷)، فرد و اجتماع، ترجمه محمود صنایعی، انتشارات زوار، تهران.
- کوهن، توماس (۱۳۶۸)، ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه آرام، انتشارات سروش، تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۲)، خودکشی در ایلام، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰)، بیگانگی، نامه علوم اجتماعی، جلد ۲، شماره ۲، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۴)، بررسی وندالیسم در تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۶)، بررسی علل ناآرامی و نارضایتی در محیط‌های صنعتی و کارگری کشور، معاونت سیاسی، انتظامی وزارت کشور.
- محمدی، بیوک (۱۳۶۹)، احساس اجحاف، مجله آدینه، شماره ۴۷، تیرماه.

○ Bandura, Albert (1961) Transmission of Aggression through Imitation of Aggressive Models. *Journal of Abnormal and Social Psychology*, 63: 575-582.

○ Clarke, R. (1991-1998) *Tackling Vandalism*. A Home Office Research Unit

- Report, Vol. II London.
- Clinard, M., Meirer, R.(1986) *Sociology of Deviant Behavior*. N.Y.: Holt Rinehart and Winston.
 - Feuer, L.(1973) *The Conflict of Generations*. N.Y.: Basic Books.
 - Flacks, R. (1986) The Liberated Generation: An Exploration of the Roots of Student Protest, *JST*. 3 (3) 52-75.
 - Flacks, R.(1971) Social and Cultural Meaning of Student Revolt, *Social Problems*. 17, 340-357.
 - Frazier, C., A. (1984) *Theoretical Approach to Deviance*. N.Y.: Belland Howell Company.
 - Freeman, H. and Jones, W.(1986) *Social Problems: Causes and Control*. Chicago: Rand McNally and Company.
 - Freud, S. (1961) *Civilization and Its Discontents*. New York: Norton.
 - Friedenberg, E.Z. (1983) *The Vanishing Adolescent*. Boston: Beacon Press.
 - Gladstone, F. J. (1990) Vandalism: A Constructive Approach. In Ward, C. (Ed). *Vandalism*. London : Architectural Press.
 - Gladstone, F. J. (1998) Vandalism amongst Adolescent School Boys, in *Tackling Vandalism*. Edited by R.V.G. Clarke, HORUR, Vol.2, London, pp. 19-57.
 - Hagan, J., McGarthy, B. (1992) Street Life and Delinquency, *B.J.S*.Vol. 43 No. 1, December, 1992.
 - Hauber, A. R. (1991) *Delinquency and Vandalism in the Netherlands Public Transportation System*. Economic Research Center, Netherlands.
 - Hurlock, E. (1988) *Personality Development*. New York: McGraw Hill.
 - Keniston, K. (1969) *The Uncommitted*. New York: Harcourt, Brace and World.
 - Maris, R. (1979) *Social Forces in Urban Suicide*. Illinois: Homewood, The Dorsey Press.

- Sharp, V. (1984) *Statistics for the Social Sciences*. Boston: Little Brown and Company.
- Shawhite, R. and Routtner, D. (1988) Age, Crime and Early Environment and Upbringinge. *New Society*, 39 172-178.
- Sills, D. (1968) *International Dictionary of the social Sciences*, N. Y.
- Steffensmeier, P. (1989) "Age and Distribution of Crime", *AJS*. Vol. 94. No.4, January.
- Wilkinson, T. (1995) Raiders of the Parks, *Journal of National Parks*. Sep-Oct.